

گونه‌شناسی اندیشه مهدویت در هند

سیدمعراج مهدی رضوی

چکیده

بحث مهدویت به عنوان «گونه‌شناسی اندیشه‌ی مهدویت» در میان اهل سنت هندوستان در سه بخش بیان و بررسی شد: یکی، اندیشه‌ی مشهور جمهور امت مسلمه، مانند اندیشه‌ی مهدویت صوفیان و بریلوی‌ها و دیوبندی‌ها و دومی، اندیشه‌ی مهدویت خلاف جمهور از زبان برخی از اندیشمندان، مانند دیدگاه علامه مودودی و مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی و مولانا وحیدالدین خان و سومی، جریان ادعای مهدویت سیدمحمد جونپوری در قرن دهم و جریان قادیانیت در هند در قالب اندیشه و جریان مهدویت در هند تک تک به صورت خلاصه، با استفاده از آثار دست اول متعلق به آن حلقه و فرقه و شخص و گروه بیان و بررسی شده است. درباره‌ی آثار صوفیان، به ویژه در اثر چشتیان، بحث تاریخی شده است و نیز با اندیشه‌ی مهدویت شیعه‌ی امامیه کاملاً نزدیک است. البته اندیشه‌ی حلقه‌های دیگر سلاسل نیز در مقایسه با اندیشه‌ی خالص اهل سنت، به شیعه‌ی امامیه نزدیک‌اند و اندیشه‌ی فرقه‌ی بریلوی‌ها و دیوبندی‌ها همان اندیشه‌ی مشهور جمهور اهل سنت است و نیز بحث تاریخی درباره‌ی امام مهدی علیه السلام نیآورده‌اند و صرفاً بحث روایتی نموده‌اند. همچنین در میان این سه گروه، آثار صوفیه بیشتر و قدیمی‌ترند. در این مقاله، از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. آثار صوفیان هند قدیمی‌تر و بیشتر است، در حالی که آثار دانشمندان بریلوی و دیوبندی آثار معاصر به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، اهل سنت، هندوستان، جریان اندیشه‌ی

مهدویت، صوفیه، بریلوی، دیوبند.

مقدمه

مسئله‌ی مهدویت و اندیشه‌ی ظهور امام مهدی موعود^{علیه السلام} در آخرالزمان در آیین مبین اسلام، یکی از مسائل اصیل، ریشه‌دار و باسابقه برشمرده می‌شود که با گذشت زمان کهنه و متروک نشده است. این اندیشه از زمان پیغمبر^{صلی الله علیه و آله} تاکنون در میان مجامع اسلامی نفوذ دارد و مایه‌ی امید و نور آرزوی انسانی است. همه‌ی اهل توحید عقیده‌ی مهدویت را جزو مسلمات و یکی از ضروریات برمی‌شمارند و در انتظار منجی بشر از ذریه‌ی نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله} هستند. ایشان زمین را از ظلم، جور و فساد پاک و پر از عدل و انصاف می‌کنند و دین اسلام را بر ادیان عالم غلبه می‌دهند. در تأیید اندیشه‌ی مهدویت آیات و روایات فراوانی به حد تواتر در منابع اسلامی - اعم از اهل سنت و شیعه - بیان شده و این اندیشه، همیشه، مورد توجه علما و دانشمندان اسلامی بوده است، ولی در مصداق امام مهدی^{علیه السلام} و در سه مسئله در مورد ایشان اختلاف وجود دارد و همین سه، اندیشه‌ی مشهور شیعه‌ی امامیه را از اندیشه‌ی مشهور اهل سنت جدا می‌سازد: یکی از محورهای اختلافی بین شیعه و سنی، نام پدر ایشان است؛ براساس باور شیعه، نام پدر ایشان حسن عسکری و نام مادرشان نرجس است، در حالی نزد بیشتر اهل سنت، نام پدر عبدالله و نام مادر آمنه است. دوم، نسب امام مهدی^{علیه السلام} است؛ نزد شیعه، ایشان حسینی نسب و فرزند امام حسن عسکری^{علیه السلام} و نهمین فرزند از نسل امام حسین^{علیه السلام} هستند، در حالی که در میان اکثریت اهل سنت، امام مهدی^{علیه السلام} حسنی نسب، بدون ذکر سلسله هستند. سومین محور اختلاف، زمان تولد امام مهدی^{علیه السلام} است: نزد شیعه، بر تولد ایشان و غیبت اجماع است و تاریخ مشهور ولادتشان در آثار شیعی ۱۵ شعبان ۲۵۵ق است. ایشان پس از شهادت پدرشان، در پنج سالگی غیبت نمودند و صاحب غیبت صغری و کبری هستند و به اذن خدا ظهور خواهند کرد، در حالی که نزد اهل سنت، به ویژه در فرقه‌های اهل سنت مانند بریلوی و دیوبندی، ایشان هنوز به دنیا نیامده‌اند، ولی پیش از پایان دنیا ظهور خواهند کرد، اگر چه تعداد زیادی از صوفیان هند، به ویژه چشتیان، قائل به

ولادت امام مهدی علیه السلام هستند و ایشان را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و امام دوازدهم ائمه علیهم السلام می‌دانند.

در بخش اول، اندیشه‌ی مشهور مهدویت اهل سنت در میان صوفیه، بریلوی و دیوبندی براساس همین محور سه‌گانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش دوم، بحث در مورد اندیشه‌ی مهدویت غیر مشهور، که برخی از دانشمندان اسلامی مانند علامه مودودی، مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی و مولانا حیدرالدین خان مطرح کرده‌اند، بحث خواهد شد. در بخش سوم نیز بحث در مورد جریان دروغین مهدویت در هند مانند ادعای مهدویت سید محمد جونپوری به نام مهدیه گروه و جریان میرزاغلام احمد قادیانی به نام فرقه‌ی احمدیه و مسلم جماعت معروف با روش توصیفی و تحلیلی خواهد شد.

الف. اندیشه مهدویت مشهور اهل سنت هند

بحث این بخش با در نظر گرفتن حلقه‌های صوفیه، بریلوی و دیوبندی در سه حصه بیان می‌گردد.

۱. الف: اندیشه مهدویت مشهور در میان صوفیان هند

اعتقاد به دوازده امام از اهل بیت علیهم السلام

پیش از ورود به بحث اصلی، کمی به اعتقاد صوفیان در مورد دوازده امام علیهم السلام پرداخته می‌شود. البته این بحث هم با این مقاله مرتبط است، زیرا امام مهدی، دوازدهمین امام هستند.

دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که اول آن حضرت علی علیه السلام و یازده امام دیگر از فرزندان ایشان‌اند. سپس اسامی دوازده امام اهل بیت علیهم السلام را به ترتیب، از امام الائمه، حضرت علی علیه السلام تا امام مهدی علیه السلام بیان کرده‌اند.

(گذری شاه بابا، ولایت علی، ص ۶۳ و ۱۴۴-۱۴۳ چشتی محمدعلی اصغر، جواهر فریدی، ص ۱۳۸-۸۳۹ گذری شاه بابا، ولایت علی، ص ۶۳/ قاضی ثنائی الله، پانی پتی، تفسیر مظهري،

ج ۲، ص ۹۹/ قادری عزیز الحق کوثر ندوی، مناقب اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۱/ عبیدالله امرتسری، ارجح المطالب، ص ۳۵۳/ نیازی محمد قاسم، فضایل اهل بیت علیهم السلام (پرسش و پاسخ)، ص ۱۶/ نیازی سید محبوب الرحمن، تذکره باره امامین مصومین، ص ۸۰۶/ چشتی شیخ عبد الرحمان، رآه الاسرار، ۲۲۴/ شیخ محمد اکرام، اقتباس الانوار/ چشتی مولانا صوفی محمد قادری ابوالعلائی، سیرت مقربین خدا، ص ۳۳۰/ قادری علامه سید محمد سعید الحسن شاه، خاندان مصطفی، ص ۸۲۳/ جامی عبدالرحمان، شواهد النبوه، ص ۳۶۶/ خسرو قاسم، کشکول معرفت، ص ۸۴/ محدث دهلوی حضرت شیخ عبدالحق، احوال ائمه اثنا عشر مکتوبات امام ربانی مجدد، الف ثانی، ج ۳، ص ۲۵۱-۲۵۲، شماره‌ی مکتوب (۱۲۳)

امام مهدی علیه السلام، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و امام دوازدهم اهل بیت علیهم السلام

دانشمندان صوفیه امام مهدی علیه السلام را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام امام دوازدهم علیهم السلام بیان کرده‌اند. این حقیقت به تعبیرهای مختلف در آثار آنان بیان شده است. برخی در عنوان بحث مهدی، این تعبیر را به کار برده‌اند: ذکر آفات دین و هادی جمیع امم و ملت امام بر حق ابوالقاسم محمد بن امام حسن عسکری علیه السلام (شیخ عبد الرحمان چشتی، مرآه الاسرار، ص ۲۲۴/ سید محبوب الرحمن نیازی، تذکره باره امامین مصومین، ص ۱۰۶). برخی در عنوان بحث مهدی، این تعبیر را انتخاب کرده‌اند: حضرت امام ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری المهدی (شیخ محمد اکرام، اقتباس الانوار، ص ۱۶۳/ ابوالعلائی مولانا صوفی محمد اول قادری چشتی، سیرت مقربین خدا، ۳۳۰/ قادری علامه سید محمد سعید الحسن شاه خاندان مصطفی، ص ۷۲۳). برخی با این تعبیر یاد کرده‌اند: امام مهدی بن امام حسن العسکری علیه السلام دوازدهم از ائمه اهل بیت علیهم السلام (چشتی شیخ عبدالرحمان، مرآه الاسرار، ص ۲۲۴/ نیازی سید محبوب الرحمن، تذکره باره امامین مصومین، ص ۸۰۶/ شیخ محمد اکرام، اقتباس الانوار، ۱۶۳/ ابوالعلائی مولانا صوفی محمد اول قادری چشتی، سیرت مقربین خدا، ۳۳۰/ علامه سید محمد سعید الحسن شاه قادری خاندان مصطفی، ص ۷۲۳/ عبیدالله امرتسری، ارجح المطالب، ص ۳۵۳/ انوار العارفين، ص ۸۴۴/ چشتی محمد علی اصغر، جواهر فریدی، ص ۱۳۸-۱۳۹/ گذری شاه بابا، ولایت علی، ص ۸۸/ القادری محمد طاهر، القول المعتبر فی الامام المنتظر، ص ۶۱/ نقشبندی مفتی غلام رسول جماعتی، باره امام، ص ۵۰۶/ مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول/ ج ۶/ ۱۴۴/

الحديث ۱ ص: ۱۳۸).

نام، کنیه و القاب امام مهدی علیه السلام و نام مادر ایشان

در آثار صوفیه نام، کنیه و القاب امام مهدی علیه السلام و نام مادر ایشان، نزدیک و شبیه به گزارش‌های شیعی آمده است:

اسم شریف و کنیه ایشان مشابه حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و القاب او مهدی، حجت، قائم، المنتظر، صاحب الزمان، خاتم و اثنا عشر است (چشتی شیخ عبدالرحمان مترجم: واحد بخش سیال چشتی صابری مرآة الاسرار، ص ۲۲۴ / شیخ محمد اکرام ترجمه: واحد بخش سیال چشتی صابری، اقتباس الانوار (تذکره مشایخ چشتیه صابریه)، ۸۶۳ ابوالعلائی مولانا صوفی محمد اول قادری چشتی، سیرت مقربین خدا، ۳۳۰ عیبدالله امرتسری، ارجح المطالب، ص ۳۵۳ جامی مولانا عبدالرحمان، شواهد النبوه، ص ۶۵ جامی مولانا عبدالرحمان ترتیب: قادری محمد اشرف رضا، فضایل اهل بیت علیهم السلام و سوانح باره امام، ص ۱۸۵) و برخی اسم مادر حضرت را نرجس (نیازی سیدمحبوب الرحمن، تذکره باره امامین مصومین، ص ۱۰۶) و برخی سوسن (شیخ عبدالرحمان چشتی مترجم: واحد بخش سیال چشتی صابری، مرآة الاسرار، ص ۲۲۴) و برخی صیقل هم بیان کرده‌اند (شیخ محمد اکرام، اقتباس الانوار (تذکره مشایخ چشتیه صابریه) خاندان مصطفی، علامه سیدمحمد عبد الحسن شاه قادری، ص ۲۲۴ جامی عبدالرحمان، شواهد النبوة، ص ۳۶۷).

ذکر ولادت امام مهدی علیه السلام و تاریخ آن

یکی از امتیازات صوفیان این است که در اندیشه و آثار آنان، بحث تاریخی و تطبیقی مهدویت گشته و در نتیجه، این بحث در آثار آنان تاریخ ولادت و جای ولادت تصریح شده است. در بیان تاریخ ولادت اختلاف نظر وجود دارد. با این همه، ذکر تاریخ ولادت دال بر این است که در آثار آنان بحث تاریخی در مورد امام مهدی علیه السلام شده است و همین چیز آنان را به اندیشه‌ی شیعه‌ی امامیه نزدیک می‌سازد.

تاریخ ولادت حضرت امام مهدی علیه السلام، در برخی از آثار صوفیه ۱۵ شعبان ۲۵۵ ق در سامرا (قادری سیدمحمد سعیدالحسن شاه خاندان مصطفی، ص ۲۲۴ سیدمحبوب الرحمن نیازی، تذکره باره امامین مصومین، ص ۱۰۶) و در برخی ۲۳ رمضان المبارک ۲۵۸ ق در

سامرا (شیخ محمد اکرام، ترجمه: واحد بخش سیال چشتی صابری، اقتباس الانوار (تذکره مشایخ چشتیه صابریه)، ص ۸۶۳ جامی مولانا عبدالرحمان، شواهد النبوة، ص ۳۶۷ جامی مولانا عبدالرحمان، ترتیب: قادری محمد اشرف رضا، فضایل اهل بیت علیهم‌السلام و سوانح باره امام، ص ۱۸۵) و برخی ۱۱ شعبان ۲۵۵ق در سامرا (شیخ محمد اکرام، ترجمه: واحد بخش سیال چشتی صابری، اقتباس الانوار (تذکره مشایخ چشتیه صابریه)، ص ۱۶۳) و در برخی دیگر ۱۰ ربیع‌الاول یا ربیع‌الثانی در سال ۲۳۲ق در سامرا (چشتی شیخ عبدالرحمان، مترجم: واحد بخش سیال چشتی صابری، مرآة الاسرار، ص ۲۲۴) و برخی سیزده رمضان المبارک در سال ۲۵۵ یا ۲۵۸ق در سامرا (ابوالعلائی مولانا صوفی محمد اول قادری چشتی، سیرت مقربین خدا، ص ۳۳۰) و در تذکره باره امامین معصومین تاریخ ولادت امام مهدی علیه‌السلام با تفصیل و با تطبیق با تاریخ میلادی و روز ۱۵ شعبان ۲۵۵ق مساوی با ۲۹ جولائی ۱۸۶۹م به روز جمعه در سامرا (نیازی سید محبوب الرحمن، تذکره باره امامین معصومین، ص ۱۰۶) همچنین در برخی از آثار تاریخ ولادت امام مهدی علیه‌السلام بیان نشده، ولی عمرشان هنگام رحلت پدر پنج سال بیان گشته است. (عبیدالله امرتسری، ارجح‌المطالب، ص ۳۵۳)

در گزارش‌های بالا اختلاف در تاریخ ولادت وجود دارد، ولی در مورد ولادت همه اتفاق نظر دارند و آن، سامره است.

۲. الف: اندیشه مهدویت مشهور اهل سنت بریلوی

مسلك بریلوی منسوب به احمد رضا خان بریلوی است. بحث‌های مهدویت در آثار و اندیشه‌ی بریلوی‌ها کمتر شده و بیشتر بحث‌های مهدویت در آثار بریلوی‌ها احادیثی است.

اعتقاد به دوازده امامان اهل بیت علیهم‌السلام

دانشمندان بریلوی نیز با تأثیر از تعلیمات صوفیه، قائل به وجود دوازده امام از اهل بیت علیهم‌السلام هستند و در آثار بریلوی‌ها همراه ذکر اسامی و سیره‌ی دوازده امام اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است، ولی برخی از دانشمندان، اندیشه‌ی دوازده امامان

اهل بیت علیهم‌السلام را منکر و متأثر از عقیده‌ی شیعه می‌پندارند (رضوی سیدمحمد عبدالحق، ظهور امام مهدی کب اور کهان، ص ۱۲) که تعداد آنان اندک است.

در کتاب گلدسته عقائد و اعمال و در کتاب هم‌ارای اسلام، امام مهدی علیه‌السلام آخرین امام از ائمه دوازده‌گانه دانسته شده‌اند (گلدسته عقائد و اعمال، مدنی علمائ ص ۸۱ محمد خلیل خان قادری، هم‌ارای اسلام، مفتی ص ۱۱۷ و ۲۸۷).

همچنین در کتاب نجات کاس راسته و تذکره و سیره، اسامی دوازده امامان اهل بیت علیهم‌السلام از امام علی علیه‌السلام تا امام مهدی علیه‌السلام مفصل بیان شده است. (محمد انجم مصطفایی، نجات کاس راسته ۷۳)

اگرچه برخی از دانشمندان این مسلک عقیده‌ی دوازده امام را نقد و انکار هم می‌کنند، مانند سیدمحمد عبدالحق رضوی (رضوی سیدمحمد عبدالحق، ظهور امام مهدی کب اور کهان، ص ۱۲). البته تعداد آن بسیار اندک و انگیزه‌ی انکار آن، خصومت و دشمنی با شیعه‌ی امامیه و اهل بیت علیهم‌السلام است.

امام مهدی علیه‌السلام، امام دوازدهم و فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام هستند
دانشمندان و اهل قلم بریلوی، امام مهدی علیه‌السلام را امام دوازدهم اهل بیت (رضوی سیدمحمد عبدالحق، ظهور امام مهدی کب اور کهان، ص ۱۲) و فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام، مانند صوفیان بیان کرده‌اند، ولی برخی امام مهدی علیه‌السلام را امام دوازدهم اهل بیت علیهم‌السلام قبول دارند، ولی فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام بودن ایشان را قبول ندارند (رضوی سیدمحمد عبدالحق، ظهور امام مهدی کب اور کهان، ص ۸۲ محمد نجم، نجات کاس راسته، ص ۷۲).

اسم، کنیه و اسم پدر امام مهدی علیه‌السلام
بیشتر بریلوی‌ها در این زمینه، بحث روایی با استناد با روایت نبوی از ابن عباس و عبد‌الله بن مسعود کرده‌اند.

«عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: قال بلی من اهل بیتي یواطئ اسمُه اسمي و اسمُ ابيه اسمُ ابي؛ از اهل بیت من یک نفر قیام می‌کند که اسم او و اسم پدرش، شبیه به اسم من و پدر من

خواهد شد)). بدین ترتیب، استناد کرده‌اند که اسم امام مهدی علیه السلام محمد و اسم پدرشان عبدالله است. (مدنی علمائ، گلدسته عقائد و اعمال، ص ۸۱/ قادری مفتی جلال‌الدین، ظهور امام مهدی، ص ۸۴۰/ محمد انجم مصطفایی، نجات کاراسته، ص ۸۳/ قادری محمد خلیل خان، بمارا اسلام، ص ۲۸۷). همچنین برخی از دانشمندان این مسلک گزارش شیعه‌ی امامیه را، که اسم ایشان محمد و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، به شدت نقد و انکار می‌کنند (قادری مفتی جلال‌الدین، ظهور امام مهدی، ص ۱۴۰).

جمهور اهل سنت اعم از اهل سنت بریلوی و دیوبندی و جماعت اسلامی بر این نکته تأکید دارند که اسم امام مهدی علیه السلام محمد و اسم پدرشان عبدالله است و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله مذکور را در دلیل آن بیان می‌کنند.

المَهْدِيُّ حَسَنِيَّيَا حَسِينِيَّ

بیشتر بریلوی‌ها بر این نکته تأکید می‌نمایند که امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام هستند، کما اینکه اندیشه‌ی مشهور مهدویت اهل سنت همین است و در تأیید آن، روایت را بیان می‌کنند (چنین روایت در منابع گوناگونی آمده است: قادری محمد خلیل خان، بمارا اسلام، مفتی ص ۸۱۷/ گلدسته عقائد و اعمال، مدنی علمائ، ص ۷۱)، در حالی که در برابر آن روایت‌های زیادی است که امام مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام بیان می‌کند و تعداد این روایت در برابر آن بسیار زیاد است (لهدایه الکبری/ ۳۷۷/ الباب الرابع عشر باب الإمام المهدی المنتظر علیه السلام/ الإمامة و التبصره من الحیره/ النص/ ۱۱۰/ ۲۹/ كشف الغمه في معرفة الأئمة (ط - القديمة)/ ج ۲/ ۴۸۱/ منتخب الأنوار المضيئه في ذكر القائم الحجه عليه السلام/ النص/ ۴۵/ الفصل الرابع في إثبات ذلك من جهة العامه/ دلانل الإمامه (ط - الحديثه)/ ۴۷۵/ معرفه وجوب القائم (عليه السلام)/ الغيبه (للطوسي)/ كتاب الغيبة للحجه/ النص/ ۱۷۴/ الكلام على الواقفه، ص ۲۳/ منهاج البراعه في شرح نهج البلاغه (خوئی)/ ج ۱۶/ ۱۶۳/ رجال النجاشي/ ۸۶/ ۲۰۸/ احمدبن محمدبن احمد ابوعلی الجرجاني، ص ۸۶/ بحارالانوار (ط - بيروت)/ ج ۵۱/ ۲۱۰/ باب ۱۲ ذکر الادله التي ذكرها شيخ الطائفه رحمه الله على اثبات الغيبه، ص ۱۶۷).

ذکر ولادت و تاریخ آن

دانشمندان بریلوی در موضوع مهدویت اثر زیادی ندارند. دوم اینکه بیشتر دانشمندان بریلوی در موضوع مهدویت بحث‌های خالص روائی کرده‌اند. سوم اینکه دانشمندان بریلوی عقیده و اندیشه‌های صوفیه را نادیده گرفته، هر گونه ولادت امام مهدی علیه السلام و فرزند بودن امام عسکری علیه السلام را انکار می‌کنند و امام مهدی علیه السلام را شخصیت آینده مطرح نموده‌اند.

اندیشه‌ی مهدویت دانشمندان بریلوی در سه نکته، همسان اهل سنت با اندیشه و عقیده مهدویت صوفیه و شیعه‌ی امامیه فرق می‌کند.

یکی: اسم امام مهدی علیه السلام محمد و اسم پدرشان عبدالله است و در این باره به روایت نبوی استناد می‌کنند. دوم: بیشتر دانشمندان بریلوی بر این نکته بسیار تأکید می‌کنند که امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام هستند و در تأیید آن، روایت بیان می‌کنند. سوم: امام مهدی علیه السلام پیش از رستاخیز به دنیا خواهند آمد.

۳. الف. اندیشه مهدویت مشهور اهل سنت دیوبندی

مسلک دیوبند، منسوب به اکابر و دانشمندان به دارالعلوم دیوبند است. علمای این مسلک در مورد امام مهدی علیه السلام کتاب‌های زیادی دارند و شاید می‌توان گفت بیشتر کتاب‌های معاصر در موضوع مهدویت متعلق به همین مسلک است. پس اکابر و دانشمندان این مسلک می‌کوشیدند عقیده‌ی امام مهدی علیه السلام را جزو مسلمات اسلام به اثبات برسانند و هر موقع ادعای مهدویت دروغ‌گو پیش آمد، دفاع سرسختانه از مهدویت حقیقی نمودند. نمونه‌ی آن اثر علی متقی هندی مهاجر مکی کنز العمال در نقد جریان مهدویت سید محمد جونپور کتاب سیوطی را به عنوان تلخیص البیان فی اخبار مهدی الزمان خلاصه کرده و ارائه داده است و نیز خودش یک کتاب به نام کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان تألیف نمود، ولی - متأسفانه در بیشتر این کتاب‌ها بحث حدیثی شده است.

اعتقاد به دوازده امامان اهل بیت علیهم‌السلام

در آثار دیوبندی‌ها، می‌توان به بحث دوازده امام معصوم علیهم‌السلام از دو جهت پرداخت: یکی، روایت‌های دوازده امام یا خلیفه یا امیر و دوم، مصداق دوازده امام معصوم علیهم‌السلام در آثار دانشمندان دیوبندی.

روایت‌های دوازده در آثار اهل سنت هند بسیار زیاد بیان شده است و همه به این احادیث اتفاق دارند و هیچ کس در این تشکیک و تردید نکرده است و درباره‌ی روایت دوازده خلیفه از تعبیر «هذا حدیث حسن صحیح؛ این حدیث حسن و صحیح است» استفاده کرده‌اند (مفتی محمود بن مولانا سلیمان حافظ جی باردولی، ظهور مهدی، کب؟ کپان؟ کس طرح؟، ص ۳۲). البته در مصداق آن در میان اهل سنت اختلاف است و اهل تصوف در مصداق آن هم مسلک شیعه‌اند و دوازده امام معصوم علیهم‌السلام را خلیفه‌ی اثنا عشر و قطب‌الاقطاب قبول دارند. جماعتی از اهل سنت نیز در این موضوع هم مسلک صوفیان‌اند و عده‌ای از اهل سنت سردرگم گشته‌اند و دنبال مصداق‌سازی، به این سو و آن سو می‌روند، ولی - متأسفانه - سعی آنان نتیجه‌ای ندارد و سرانجام به دلیل عناد با شیعه، از قبول دوازده امام معصوم علیهم‌السلام شیعه امتناع می‌ورزند. ولی همه به این نکته اتفاق دارند که آخرین امام از دوازده امام معصوم علیهم‌السلام، امام مهدی علیه‌السلام هستند (همان، ص ۳۳).

یکی از شخصیت‌های معاصر دیوبند، پس از بررسی تک تک مصداق‌هایی که درباره‌ی دوازده خلیفه بیان شده است، می‌گوید: «علی کل حال، امام مهدی علیه‌السلام دوازدهمین امام هستند.» و مفتی یوسف لدهیانوی درباره‌ی تعداد دوازده امام، که در میان شیعه به عنوان «اثنا عشر امام» معروف‌اند، می‌گوید: «اهل سنت نیز آنان (اثنا عشر امام) را مقتدای خویش می‌دانند، ولی با دو شرط: یکی، مثل انبیا معصوم نیستند، کما اینکه شیعه قائل به عصمت است و دوم آنچه به آنان نسبت داده می‌شود، نادرست است» (همان ص ۳۳).

به جز این برخی از دانشمندان مسلک دیوبندی‌ها و شخصیت‌های برجسته‌ی

دیگر مانند شیخ عبدالحق محدث دهلوی، اعتقاد به امامت دوازده امامان اهل بیت علیهم‌السلام مانند صوفیه و شیعه‌ی امامیه دارند و دانشمندان دیوبندی مانند شیخ عبدالحق محدث دهلوی در کتاب احوال ائمه اثنا عشر و نواب سیدصدیق حسن خان بهوپالی در تشریف البشر درباره‌ی فضایل ائمه اثنا عشر علیهم‌السلام این عقیده را بیان کرده‌اند، اگر چه سرریشه‌های این عقیده، همان اندیشه‌های صوفیه است، زیرا سلسله‌ی شیخ عبدالحق محدث دهلوی و اکابیر و بزرگان دیوبندی‌ها به صوفیه پایان می‌پذیرد، کما اینکه دانشمندان دیوبندی‌ها در کتابشان این نکته را به صراحت گفته‌اند (محمد زکریا دیوبندی تذکره مشائخ چشت). پس ذکر ائمه الکرام من اهل بیت علیهم‌السلام در برخی از آثار دانشمندان دیوبند با اسامی پدر بزرگوار، بالترتیب کرده‌اند (محدث دهلوی شیخ عبدالحق، احوال ائمه اثنا عشر، ص ۸۳ خسرو قاسم، اهل بیت فی الاحدith النبویه، ص ۲۲۵-۲۶۵ شاه ولی الله دهلوی، رسائل ولی الله دهلوی).

امام مهدی علیه‌السلام امام دوازدهم و فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام هستند

برخی از دانشمندان مسلک دیوبندی‌ها و شخصیت‌های برجسته مانند شیخ عبدالحق محدث دهلوی امام مهدی علیه‌السلام را امام دوازدهم از اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند:

«او ابو محمد حسن بن علی عسکری علیه‌السلام از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام هستند و نزد امامیه پدر امام مهدی علیه‌السلام هستند (محدث دهلوی شیخ عبدالحق، احوال ائمه اثنا عشر، ص ۷۳).

خسرو قاسم: امام دوازدهم و فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌دانند (خسرو قاسم، امام حسن عسکری علیه السلام (اهل سنت کی نظر مین). مجدد الف ثانی: امام مهدی علیه‌السلام در کار ولایت با حضرت امام علی مرتضی علیه‌السلام شریک‌اند (مکتوب امام ربانی مجدد الف ثانی، ج ۳، مکتوب ۲۵۲، ۲۵۱ و ۱۲۳)».

اسم، کنیه و القاب و اسم گرامی مادر امام مهدی علیه‌السلام در آثار دیوبندی

برخی از دانشمندان درباره‌ی مهدویت بحث کرده و اسم حضرت علیه‌السلام، نام پدر و مادر ایشان را بیان نموده‌اند: «اسم او محمد و پدر وی ابو محمد حسن عسکری علیه‌السلام و مادر نرجس یا ملیکه بنت یوشع بنت قیصر و لقب او مهدی است» (خسرو قاسم، امام

حسن عسکری علیه السلام (اهل سنت کی نظر مین)، ص ۸ / محدث دهلوی شیخ عبدالحق، احوال ائمه اثنا عشر، ترتیب خسرو قاسم، ص ۷۳.

بیشتر دانشمندان در این زمینه بحث روایی با استناد به روایت نبوی ﷺ از ابن عباس و عبدالله بن مسعود کرده‌اند: «عن النبي ﷺ: قال بلى من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي و اسم أبيه اسم أبي؛ از اهل بیت من یک نفر قیام می‌کند که اسم او با اسم من و اسم پدر وی با اسم پدر من شبیه است». (عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار / النص / ۴۳۶ / فصل فی ذکر ما جاء فی المهدي ع من متون الصحاح الستة، ص ۴۲۳ / حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیهم السلام / ج ۶ / ۴۴۴ / الباب الثالث و الخمسون فیما جاء من طریق العامه فی البشاره بالمهدي القائم علیه السلام، ص ۴۲۷ / الزام الناصب فی اثبات الحججه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف / ج ۸ / ۱۵۶ / الفرع الاول اخبار النبي صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بقیام المهدي علیه السلام من ولد فاطمه علیها السلام من طرق العامه. ص ۸۵۲ / بهجه النظر فی اثبات الوصایه و الامامه للائمه الاثني عشر / ۸۶۴ / الفصل السادس عشر فی نص رسول الله ﷺ علی القائم المهدي فی آخر الزمان (علیه السلام) و البشاره به من رسول الله ﷺ علیه و آله من طرق العامه)

بیشتر دانشمندان معاصر بر این نکته تأکید دارند که اسم امام مهدی ﷺ محمد و اسم پدرشان عبدالله است و در تأیید عقیده، حدیث نبوی ﷺ را می‌آورند و این، یکی از فرق‌های اندیشه‌ی مهدویت میان اهل تشیع و اهل تسنن به شمار می‌رود، اگرچه اندیشه‌ی امام دوازدهم اهل بیت را قبول دارند. البته مشایخ و برخی از شخصیت‌های معاصر دیوبندی هم عقیده صوفیان و شیعه‌ی امامیه هستند.

امام مَهْدِي حَسَنِي یا حَسِينِي

دانشمندان دیوبندی در این موضوع سه دسته‌اند:

۱. امام مهدی ﷺ را از نسل امام حسن علیهما السلام (الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ) می‌دانند، یعنی امام مهدی ﷺ حسنی‌اند. (قاسمی سنبهلی مفتی ابواسعد، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۳۵۳ / منصورپوری مولانا مفتی محمد سلمان، حضرت امام مهدی کا ظهور ابھی نہیں ہوا، ص ۳ / مهاجر مدنی سیدمحمد بدرعالم امام مهدی ص ۸۷ / کاندھوی علامه

حبیب‌الرحمان صریقی، عقیده‌ی ظهور مهدی قرآن و روایات کی روشنی مین؛

۲. امام مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام (الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ) می‌دانند، یعنی امام مهدی علیه السلام حسینی‌اند و بر این روایت تأکید دارند. (مفتی محمودبن مولانا سلیمان حافظ جی باردولی، ظهور مهدی، کب؟ کهای؟ کس طرح؟ ص ۸۰. متن این حدیث را بیان می‌کند)؛

۳. امام مهدی علیه السلام را هم حسنی و هم حسینی می‌دانند و چنین تفسیر می‌کنند که ایشان از اولاد فاطمه علیها السلام و از طرف پدر، حسنی و از طرف مادر، حسینی هستند و بر این نکته تأکید دارند. (ملا علی قاری، المرقاه/ محمد مظفر اقبال، اسلام مین امام مهدی کا تصور، ص ۶۷ تا ۷۱/ مفتی محمود بن مولانا سلیمان حافظ جی باردولی، ظهور مهدی، کب؟ کهای؟ کس طرح؟ ص ۷۹-۸۰)

مفتی محمود در کتاب خود حدیث دال بر حسنی بودنشان و حدیث دال بر حسینی بودنشان را از الحاکم نیشاپوری و ابن‌عساکر نقل می‌کند (مفتی محمود بن مولانا سلیمان حافظ جی باردولی، ظهور مهدی، کب؟ کهای؟ کس طرح؟ ص ۷۹-۸۰). سپس جمع‌بندی بین این دو حدیث و دیدگاه می‌کند و می‌گوید: اگر چه امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن‌اند و حسنی و این دیدگاه را ترجیح دارد و می‌گوید حق همین است، زیرا این دیدگاه را حدیث حضرت علی علیه السلام تأیید می‌کند، ولی برخی از بزرگان هر دو قول را جمع‌بندی کرده، بیان می‌نمایند که پدر امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام و مادر ایشان از نسل امام حسین علیه السلام است؛ از این رو، امام مهدی علیه السلام هم حسنی و هم حسینی هستند. (مفتی محمود بن مولانا سلیمان حافظ جی باردولی، ظهور مهدی، کب؟ کهای؟ کس طرح؟ ص ۷۹-۸۰) ملا علی قاری نیز همین دیدگاه را مطرح می‌کند و این موضوع را به شباهت به دو فرزند حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام، داده است. (ملا علی قاری، المرقاه ۱۷۴/۸۰، باب اشرط الساعه، الفصل الثانی)

ذکر ولادت و تاریخ آن

شاه ولی‌الله محدث دهلوی ولادت امام مهدی علیه السلام را ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ق در ذیل بیان واقعه‌ی تفصیلی حکیمه بیان می‌کند: او ابوالقاسم امام محمد مهدی علیه السلام را امام منتظر نزد امامیه می‌داند (محدث دهلوی شیخ عبدالحق، احوال ائمه اثنا عشر، ترتیب خسرو قاسم، ص ۷۳). البته این گزارش متأثر از گزارش صوفیه است.

عقیده ظهور امام مهدی علیه السلام جزو مسلمات دین و ایمان آوردن به آن واجب است با در نظر گرفتن گزارش‌های مهدویت اهل سنت هند، به ویژه گزارش‌های دانشمندان دیوبند، این نکته درباره‌ی عقیده و اندیشه‌ی مهدویت به دست می‌آید که عقیده‌ی وجود و ظهور امام مهدی علیه السلام نزد آنان لازم و جزو مسلمات دین و ایمان داشتن به امام مهدی علیه السلام واجب است؛ از این رو، هر کس که منکر است، با تعلیمات اصیل اهل سنت مشکل دارد و مورد نقد است.

ب. اندیشه مهدویت خلاف جمهور اهل سنت هند و اندیشه مهدویت برخی از دانشمندان اهل سنت هند

در برابر اندیشه‌ی مشهور مهدویت، اندیشه‌ی مهدویت غیرمشهور برخی از دانشمندان اهل سنت، مانند علامه مودودی و مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی و مولانا حیدرالدين خان را می‌توان بیان و بررسی کرد.

اندیشه مهدویت علامه مودودی

علامه سیدابوالاعلی مودودی، یکی از شخصیت اندیشمند معاصر اهل سنت هندوستان است. مودودی مهدویت را برعکس جمهور اهل سنت در کتاب تجدید و احیای دین و در کتاب الرسائل والمسائل تفسیر و تبیین کرده است و امام مهدی علیه السلام را آخرین مجدد سلسله تجدید بیان می‌کند: ایشان زمین را خالی از ظلم و ستم و پر از عدل و انصاف می‌کنند و دین اسلام به دست ایشان بر جهان غلبه پیدا می‌کند. مودودی برخی از روایت مهدویت را انکار و برخی را تأویل می‌کند و وجود شخصی

امام المهدی علیه السلام را، که در روایات فریقین ثابت است، انکار می‌نماید. همچنین وجود مهدویت را به صورت مجدد و احیاگر دین مطرح می‌کند و در تأیید دیدگاه خود چند اصل و دلایل را ارائه می‌نماید.

تبیین نظریه مهدویت سیدابوالاعلی مودودی

سیدابوالاعلی مودودی در مسئله‌ی مهدویت و شخصیت امام مهدی علیه السلام با علمای مقدمین و متأخرین اتفاق نظر ندارد و نظریه‌ی مهدویت خاص خود را برخلاف اندیشه‌ی مشهور اهل سنت در کتاب خویش، کتاب تجدید و احیای دین، در ذیل بیان مجدد، ضرورت مجدد و ویژگی‌های مجدد بیان می‌کند و نظریه‌ی خویش را در کتاب الرسائل والمسائل تفصیلاً بیان و ابراز کرد (مودودی علامه ابوالاعلی، تجدید و احیای دین، ص ۲۳-۲۸ و ۶۶-۸۶). دیدگاه او در مجله‌ی ماهانه‌ی تجلی، با تبصره‌ی مولانا عامر عثمانی دیوبندی از دیوبند هم کاملاً شایع شده است. (رساله‌ی ماهانه تجلی از دیوبند، با مدیریت عامر عثمانی دیوبند، ماه ژون سال ۱۹۵۶م ص ۲۰۲۱، ۱۹)

ابوالاعلی مودودی اندیشه‌ی مهدویت خویش را برعکس اندیشه‌ی مشهور جمهور اهل سنت مطرح می‌کند؛ عقیده‌ی امام مهدی به صورت مهدی نوعی و مجدد عصری بیان می‌شود، در حالی که در اندیشه‌ی مشهور جمهور اهل سنت، امام مهدی علیه السلام به عنوان مهدویت شخصی بیان شده است.

مودودی منکر اندیشه‌ی مهدویت نیست، بلکه به جای اندیشه‌ی شخصی مهدویت، به نظریه‌ی مهدویت نوعی قائل است و بسیاری از روایات متعلق امام مهدی علیه السلام را ظاهراً قبول ندارد و برخی از روایات را، که قبول دارد، تأویل می‌کند. در نتیجه، امام مهدی علیه السلام را به جای امام موعود و شخص خاص، به عنوان مجدد دین و مهدی نوعی بیان می‌نماید و لفظ مهدی را به جای شخص هادی و حمایت‌کننده و نیز به معنای شخص هدایت‌یافته توضیح می‌دهد و لفظ مهدی را بر تمام رهبران منطبق‌سازی می‌کند و کلمه‌ی المهدی را، که در روایات ذکر و با «ال» معرفه (المهدی) بیان شده است که دلالت بر وجود شخص خاص می‌کند، مورد تأویل قرار

می‌دهد و می‌گوید:

«این "ال" معرفه در کلمه‌ی "المهدی" به معنای معرفه نیست که دلالت بر وجود شخص خاص کند، بلکه "ال" توصیفی است و دلالت بر ویژگی می‌کند، زیرا امام مهدی دارای اوصاف و ویژگی‌هایی است. پس امام مهدی، که مجدد کامل آخرالزمان است، ویژگی‌هایی دارد؛ از این رو، در روایت تعبیر "المهدی" آمده است.»

نظریه‌ی مهدویت مودودی بر حدیث نبوی ﷺ معروف استوار است.

قال النبي ﷺ: «ان الله يبعث لهذه الامة على رأس كل مئة سنة من يجدد لها امر دينها»^۱ (نیشاپوری الحاکم المستدرک، ج ۴، ص ۵۶۸، شماره حدیث ۸۵۹۳)؛ پیامبر ﷺ فرمودند: همانا خداوند پس از هر صد سال یک مجدد در این امت مبعوث می‌کند تا او امر تدین را زنده نماید.»

اصول مودودی در نظریه مهدویت

نظریه‌ی مهدویت مودودی (امام مهدی به عنوان مجدد کامل در آخرالزمان است) بر چند اصول و فرض استوار است که هر یک از آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اصل اول: هیچ منصبی به نام مهدویت در اسلام نیست (نیشاپوری الحاکم، المستدرک، ج ۴، ص ۵۶۸ شماره‌ی حدیث ۸۵۹۳). اصل دوم: مراد از المهدی در روایت، شخص خاص به نام امام مهدی نیست (نیشاپوری الحاکم، المستدرک، ج ۴، ص ۵۶۸، شماره‌ی حدیث ۸۵۹۳). اصل سوم: مهدویت منصبی مانند نبوت نیست که با دعوی و ادعای «أنا المَهْدِيُّ» آغاز گردد (تجدید و احیادین، ص ۳۴). می‌گوید مهدویت مقام دعوی نیست، بلکه مقام فعالیت و کارکردگی است (تجدید و احیادین، ص ۳۴). اصل چهارم: ایمان به امام مهدی ﷺ، شرط کفر و ایمان و شرط نجات نیست.

۱. این حدیث در کتاب‌های شیعه نیز با فرق برخی از کلمات بیان شده است؛ النبي (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ فِي رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / الخاتمة، ج ۳/ ۲۷۳/ ۳ في ترجمة أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني، ص ۲۷۲.

وی، در ادامه، می‌گوید: «من حدیثِ امام مهدی علیه السلام با علامات خاص ظهور می‌کند و مردم ایشان را با آن علامات می‌شناسند و با او بیعت می‌کنند.» را قبول ندارم، زیرا هیچ منصبی جز منصب نبوت در اسلام نیست که با ادعا کارش را آغاز کند. این منصب مختص به نبی و نبوت است؛ از این رو، هیچ مجدد و مهدی این حق را ندارد. (تجدید و احیادین، ص ۳۶)

دلیل مودودی برای انکار مهدویت

اندیشه‌ی مهدویت "مهدویت شخصی" علامه مودودی برعکس اندیشه‌ی مهدویت جمهور علمای اهل سنت و اهل طریقت و دانشمندان بریلوی و دیوبندی است. مودودی این دیدگاه را انکار می‌ورزد و در تأیید نظریه‌ی خود ادله و در ابطال اندیشه‌ی مشهور مهدویت جمهور علمای اسلام دلیل ششگانه مطرح کرده است.

۱. نبود عنوان «مهدویت» در قرآن مجید

اقتباس از بیانات مودودی "اگر چنین منصب و شخصی به نام مهدی وجود داشت که پذیرش آن وقوف بر ایمان و کفر و نجات بود، حتماً ذکر آن در قرآن با صراحت می‌آمد و اکتفا به روایت نمی‌شد نیز کیفیت ابلاغ مسئله هم مانند مسئله‌ی توحید و آخرت جدی می‌شد، زیرا براساس آیه‌ی «ان علینا لله» این کار وظیفه‌ی خداست (تجدید و احیادین، ص ۳۶).

«در باره‌ی امام مهدی هر قدر سعی و کوشش گردد، باز هم نمی‌توان او را در اسلام شرط ایمان و نجات و شرط مسلمان بودن فرض کرد. اگر کسی چنین منصبی در اسلام داشت، حتماً در قرآن با صراحت ذکر می‌گشت و در این امر به احادیث نبوی اکتفا نمی‌شد» (تجدید و احیادین، ص ۳۶).

۲. نبود روایت‌های مهدویت در کتاب صحیح بخاری و مسلم

یکی از دلایل انکار مهدویت نزد مودودی، نبود روایت مهدویت در صحیحین است (رساله‌ی ماهانه‌ی تجلی از دیوبند، با مدیریت عامر عثمانی، دیوبند، ماه ژون، سال ۱۹۵۶م، ص ۱۹، ۲۰، ۲۱).

۳. احادیث مهدویت به درجه‌ی ملاک امام مالک و بخاری و مسلم نیست
مودودی سندهای روایت مهدویت را خیلی ضعیف و خارج از ملاک محدثین
مانند امام بخاری، امام مسلم و امام مالک می‌داند (رساله‌ی ماهانه‌ی تجلی از دیوبند، با
مدیریت عامر عثمانی دیوبند، ماه ژون، سال ۱۹۵۶م، ص ۲۰۲۱، ۱۹).

۴. وجود اختلافات در نفس مضمون روایات مهدویت
یکی از دلایل انکار مهدویت شخصی، وجود اختلافات در نفس مفهوم و مضمون
روایت مهدویت است و وی موارد آن اختلاف را با شماره به روایت بیان می‌کند
(رساله‌ی ماهانه‌ی تجلی از دیوبند، با مدیریت عامر عثمانی دیوبند، ماه ژون، سال ۱۹۵۶م،
ص ۲۰۲۱، ۱۹).

۵. نبود مهدویت در کتب کلامی
وی یکی از دلایل انکار مهدویت را نبود عقیده‌ی مهدویت در کتب عقائد و
سهل‌انگاری علما و متکلمین در این زمینه می‌داند؛ «اگر این عقیده وجود داشت، پس
چرا متکلمین در کتاب خود ذکر ننمودند؟» (رساله‌ی ماهانه‌ی تجلی از دیوبند، با مدیریت
عامر عثمانی دیوبند، ماه ژون، سال ۱۹۵۶م، ص ۲۰۲۱، ۱۹).

۶. اندیشه‌ی ظهور امام مهدی علیه السلام، عقیده‌ی شیعی و بیشتر روایت از شیعه است.
مودودی عقیده‌ی ظهور امام مهدی علیه السلام را اندیشه‌ی شیعی می‌پندارد و بیشتر روایت
مهدویت را از شیعی برمی‌شمارد (تجدید و احیادین، ص ۲۵-۲۶).

اندیشه مهدویت مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی
مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی^۱ یکی از شخصیت‌های معاصر دینی اهل
سنت هند، وابسته به دیوبند و خاندان عثمانی^۲ مقیم در هند، از نسل خلیفه‌ی سوم
است. چندین شخصیت معروف در این خانواده هستند و بزرگان این خاندان، از
بنیان‌گذاران دارالعلوم دیوبند به شمار می‌آیند.

۱. درباره‌ی مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی خیلی اطلاعات در تاریخ و آثار پیدا نیست.

۲. او از نسل عثمان بن عفان است.

تبیین نظریه مهدویت مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی

مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی نظریه‌ی مهدویت خویش را در یکی از مضامین طولانی بیان می‌کند و در اخبار هفت روزه‌ی اخبار نو با عنوان «خاتم النبیین و امام مهدی» برمی‌شمارد. این مجله در تاریخ ۲۷ می تا ۲ ژوئن ۱۹۸۸م در دهلی نو منتشر گردیده است (قاسمی مفتی ابوسعید، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۷۱). مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی در این مضمون پیش از طرح نظریه‌ی مهدویت، مقدمه‌ای بیان می‌کند که مفهومی است:

از حضرت آدم تا الان درگیری انسان با شیطان وجود داشته است. هر گاه انسان در دام شیطان افتد، در زمین فسادات به وجود می‌آید و تعلیمات الهی به دست فراموشی سپرده می‌شود. پس لازم است خداوند هادی را برای هدایت مردم و حفظ دین رسول ﷺ بفرستد تا دین حق را بر تمام ادیان غالب کند... خداوند برای این هدف عظیم پیامبر آخرالزمان را فرستاد، ولی چنین نشد؟ پس از وفات حضرت، نوزده سال خلافت راشد بود و باز هم غلبه دین اسلام بر ادیان عالم نشد. خلافت راشد زوال پذیر شد. پس از آن، این کار را باید امت می‌کرد. آیا در این هدف امت هم موفق شد؟ آن نظام مصطفوی، که بهترین نظام بود، در سرزمین عرب محدود ماند.

اگر دقت به خرج دهیم، روشن می‌شود که در این زمان که ما زندگی می‌کنیم، فسادات از همه‌ی ادوار بیشتر است. آیا در این دوره نیازی به رسول نیست؟ صحیح است که تعلیمات نبی آخرالزمان قرآن محفوظ است، ولی برای ارسال این پیام الهی باید پیامبری وجود داشته باشد، زیرا این کار با توان امت و افراد امت سازگاری ندارد و امت نمی‌تواند این کار را به خوبی انجام دهد.

ادله نظریه مهدویت مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی

مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی برای اثبات نظریه‌ی مهدویت خویش به طور مفصل ده دلیل قرآنی و روایی بیان کرده است که خلاصه و برجسته‌ی آن دلیل ملاحظه می‌شود:

دلیل اول: آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی قصص ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٌ﴾؛ آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت - زادگاهت - باز می‌گرداند.

مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی در آیه‌ی بالا کلمه معاد را به معنای قیامت و روز رستاخیز دانسته است، در حالی که علما، دانشمندان و مفسران فریقین شیعه و سنی «زادگاه» معنا کرده‌اند.

دلیل دوم: مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی در طرح موضوع مهدویت، به آیه‌های ۱۰۷-۱۰۴ سوره‌ی انبیا استناد می‌کند. وی این آیات را درباره‌ی نبی کریم، حضرت محمد مصطفی ﷺ، می‌داند، کما اینکه آخرین آیه «ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم» درباره‌ی پیامبر ﷺ آمده است. وی با این مقدمه می‌پندارد هنوز این وعده «در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد» اتفاق نیفتاده است. سپس پیامبر ﷺ پیش از وقوع قیامت در دنیا رجعت می‌کند تا این وعده، که خدا در قرآن بیان نموده است، رخ دهد.

دلیل سوم: مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی آیه ۴ سوره‌ی والضحی را در دلیل سوم بیان می‌کند:^۱

«و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است!»

دلیل چهارم: مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی آیه ۱۱۰ سوره‌ی اسرا را یکی دیگر از دلایل بیان می‌کند:^۲

«بگو الله را بخوانید یا رحمان را. هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است) و برای او بهترین نام‌هاست و نمازت را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن!»

۱. «وَلَمَّا خِرَّةُ خَيْرَ لَكَ مِنَ الْأُولَى» (والضحی: ۴)

۲. «فَلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اسرا: ۱۱۰)

دلیل پنجم: مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی آیه‌ی ۸۲-۸۱ سوره‌ی اسرارا دلیل پنجم می‌داند.^۱

«و بگو: پروردگارا، مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود، حجتی یاری‌کننده برایم قرار ده و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. یقیناً باطل نابود شدنی است».

دلیل ششم: روایت نبوی ﷺ: «بعثت أنا و الساعه کهاتین؛^۲ مرا و قیامت را با هم فرستاده شده است» (این حدیث نبوی در کتب فریقین شیعه و سنی آمده است و مفسران در ذیل آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی اعراف بیان نموده‌اند، البرهان فی تفسیر القرآن/ ج ۸/ ۶۳۵ /سوره‌ی الاعراف (۷): ۱۷۸، ص ۶۳۵).

دلیل هفتم: روایت نبوی ﷺ: «انا اولی الناس بعیسی بن مریم فی الاولی و الآخره؛ (قاسمی مفتی ابوسعید، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۱۱۴) من در اول و آخر از هر دو جهت به عیسی بن مریم اولویت دارم».

دلیل هشتم: روایت نبوی ﷺ: نبی کریم ﷺ فرمودند: عیسی بن مریم هنگامی که به زمین نازل می‌گردد، ازدواج خواهد کرد. او صاحب فرزند می‌شود. به مدت ۴۵ سال در دنیا زندگی خواهد کرد. سپس وفات می‌یابد و در کنار من تدفین می‌شود. سپس من و عیسی از یک قبر مبعوث می‌شویم (قاسمی مفتی ابوسعید، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۱۱۵).

دلیل نهم: واقعه‌ی تاریخی منسوب به عمر بن خطاب؛ هنگامی که خبر وفات حضرت محمد ﷺ پخش شد، عمر در حال غضب شمشیر برهنه به دست گرفته، از منزل بیرون آمد و شروع به سخنرانی و تهدید می‌کرد: هر که گفت محمد ﷺ وصال

۱. «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبٰطِلُ إِنَّ الْبٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا ۝۱۱ (اسرا: ۸۱-۸۲)

۱. عن جابر، قال: كان رسول الله ﷺ يقول في خطبته: «نحمد الله وثنى عليه بما هو أهله- ثم يقول: من يهده الله فلا مضل له، و من يضلل فلا هادي له، أصدق الحديث كتاب الله، وأحسن الهدى هدى محمد، و شر الأمور محدثاتها، و كل محدثه بدعه، و كل بدعة ضلالة، و كل ضلالة في النار- ثم يقول: بعثت أنا و الساعه کهاتین:».

کرد، من گردنش را می‌زنم. قسم به خدا او مانند حضرت موسی علیه السلام است؛ کما اینکه موسی علیه السلام از کوه طور برگشت، او نیز خواهد برگشت و منافقین را خواهد کشت.

مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی از بیان این واقعه چنین استدلال می‌کند و می‌گوید: شخصیتی مانند عمر اگر سخن با سوگند خدا گوید، حقیقت دارد. پس سخن عمر اشاره به این مطلب است که آن حضرت رضی الله عنه به دنیا برمی‌گردند. پس برگشت ایشان در دنیا، به صورت امام مهدی خواهد شد (قاسمی مفتی ابوسعید، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۱۱۷).

دلیل دهم: واقعه‌ی دوم تاریخی منسوب به ابوبکرین قحافه: ابوبکر پس از وفات حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به حجره‌ی آن حضرت رضی الله عنه وارد شد و چهره را بوسید. سپس با صورت گریان گفت: پدر و مادرم فدای شما، خدا برای شما دو مرگ را جمع نمی‌کند. برای شما همین موت کافی است که مکتوب بود و واقع شد.

مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی پس از ذکر این واقعه چنین استدلال کرد: به کلمات عجیب و غریب ابوبکر دقت فرمایید؛ او هم به این حقیقت آشنا بوده است. آن حضرت رضی الله عنه پس مرگ اول، سپس کار رسالت را انجام می‌دهند. دیگر خبری از مرگ نیست، زیرا به صورت مهدی جسم روحانی خواهد شد (قاسمی مفتی ابوسعید، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۱۱۹).

اندیشه مهدویت غیرمشهور مولانا وحیدالدین خان

مولانا وحیدالدین خان، یکم ژانوری در سال ۱۹۲۵م در یکی از روستاهای شهر اعظم گره هندوستان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی مولانا در مدرسه‌ی اصلاح در روستای سرای میسر شد (سایت اخبار «قومی آواز اردو»/ شاه عمران حسن اوراق حیات سوانح حیات مولانا وحیدالدین خان). او با اسلامیات مغربیات آشنایی بسیار زیادی داشت که این حقیقت در آثار او پیداست. مولانا وحیدالدین خان تحت تأثیر علامه مودودی قرار گرفت و به جماعت اسلامی مودودی ملحق شد، ولی به دلیل اختلاف نظریات علامه مودودی در مورد مسائل مختلف مانند تصور دین، با مودودی اختلاف نظر پیدا

کرد و در سال ۱۹۵۷م، در ۳۲ سالگی از جماعت اسلامی و مودودی دوری ورزید.

تبیین نظریه مهدویت وحیدالدین خان

مولانا وحیدالدین خان دیدگاه مهدویت خود را با عنوان «شناخت مهدی» در مجله‌ی خویش به نام الرساله، که در دهلی منتشر می‌گردد، اعلام کرد. وی، در این مقاله، معنا و مفهوم مهدی را توضیح می‌دهد و می‌گوید:

چرا مهدی را مهدی می‌گویند؛ خود از کلمه‌ی مهدی روشن است، زیرا مهدی، هدایت‌یافته است، در حالی که مردم زمان از هدایت محروم خواهند ماند؛ به تعبیر دیگر، مهدی انسانی استثنائی است. مردم مهدی را از همان صفات استثنایی می‌شناسند و از او پیروی می‌کنند، نه اینکه مردم امام مهدی را از ادعای وی، که من امام مهدی هستم، بشناسند و نه اینکه مردم با ندای آسمانی به سراغ امام مهدی بروند. پس مردم امام مهدی را با صفات او می‌شناسند؛ از این رو، صفات و ویژگی‌های امام مهدی سبب شناخت او می‌شود.

این تقریباً شبیه نظریه‌ی مودودی است.

مولانا، در ادامه، از حدیث نبوی استدلال می‌کند: «المعرفه جنه من الفتن؛ معرفت سپر از فتنه است». مهدی، در حقیقت، انسانی صاحب معرفت است که خدا او را استعداد ویژه‌ای می‌دهد که از طریق آن می‌تواند در میان مغالطه‌ها و استدلال‌های حقیقی و غیرحقیقی فرق پیدا کند و بیانات گمراه‌کن را تجزیه نماید و نکته‌های گمراه‌کننده را روشن سازد. او از این طریق، از فتنه‌های لفظی مصون می‌ماند و نیز ذریع مصونیت دیگران قرار می‌گیرد. پیامبر اسلام ﷺ در تأیید این نکته فرمودند: «وجب علی کل مومن نصره او قال اوجبه» (رساله، ص ۳۷ غلام نبی کشافی، مولانا وحیدالدین خان و دعای مسیحیت و مهدویت ص ۲۰-۲۴)

مولانا پس از ذکر حدیث نبوی، که در آن اسم امام مهدی بیان شده است، چنین توجیه می‌کند:

اسمه اسمی مراد از اسم اینجا صفت است، نه اسم خاص. وی رهبر جهانی بودن

امام مهدی علیه السلام را انکار کرده، می‌گوید: «بعض از افراد امام مهدی را به معنای هادی و رهبر بیان کرده‌اند و فکر می‌کنند امام مهدی رهبر انقلابی دور جدید است که نظام اسلامی را قایم می‌کند! این اشتباه بزرگی است. این اندیشه و تعریف امام مهدی، بی‌بنیاد، دور از حقیقت و باطل است که امام مهدی صوفی است. امام مهدی فقط شخصیت عرفانی و صاحب معرفت دور جدید نیست. او با توفیق خدا، مقام اعلای معرفت را به دست می‌آورد و دیگران را به این مقام می‌رساند (رساله، ص ۳۷ غلام نبی کشافی، مولانا وحیدالدین خان و دعای مسیحیت و مهدویت، ص ۲۴-۲۵).

ناگفته نماند که نظریه‌ی مهدویت مولانا وحیدالدین خان موعی شبیه به نظریه‌ی مودودی است. شاید علتش این باشد که مولانا وحیدالدین خان علاقه‌ی خاصی به مودودی داشت و آثار مودودی را مورد مطالعه قرار داده و نیز مدت‌ها به مؤسسه‌ی جماعت اسلامی مودودی وابسته بود. پس تحت تأثیر اندیشه‌ی مهدویت قرار گرفت و با فرق کمی، آن را به تعبیر خود بیان و نشر کرد، کما اینکه از الفاظ مولانا وحیدالدین خان پیداست.

دلیل نظریه مهدویت مولانا وحیدالدین خان

۱. معنای کلمه‌ی مهدی: مهدی به معنای هدایت‌یافته است، نه به معنای هدایت‌کننده و تمام دلایل و روایت، که بر وجود مهدی دلالت می‌کند، به همین معناست؛

۲. اختلافات زیادی در روایات مهدویت وجود دارد؛

۳. ضعف در روایت مهدویت؛

۴. اندیشه‌ی مشهور مهدویت و انتظار امام مهدی موعود، مسلمانان را سست می‌کند.

ج. جریان دروغین مهدویت در اهل سنت هند

جریان ادعای دروغین مهدویت مانند سیدمحمد جونپوری به نام مهدیه گروه و جریان میرزاغلام احمد قادیانی به نام فرقه‌ی احمدیه و مسلم جماعت ثبت شده‌اند.

۱. جریان دروغین مهدویت سیدمحمد جونپوری

یکی از مشهورترین جنبش‌های مدعیان مهدویت اهل سنت در هند، متعلق به قرن دهم با ادعای مهدویت سیدمحمد جونپوری (۹۱۰-۱۸۴۷)^۱ آغاز می‌گردد. این تحریک مهدویت قوی‌ترین تحریک و نقش‌گذار در تاریخ هند است. پیروان این جریان به نام «گروه مهدوی» شهرت دارند و نیز صاحب آثار زیادی هستند.

گزارش‌های متعدد تاریخی به ادعای مهدویت سیدمحمد جونپوری دلالت می‌کند. البته در میان علما اختلاف است که او از ادعای مهدویت برگشت یا برگشت نکرد. همچنین در معنا و مفهوم ادعای مهدویت هم اختلافات وجود دارد و در اینکه نخستین بار کجا و چند جا ادعای مهدویت کرده است، زیرا در این مورد، گزارش‌های مختلفی وجود دارد. البته همه‌ی گزارش‌ها در این نکته مشترک‌اند که سیدمحمد جونپوری یکی از شخصیت‌های قرن دهم است که ادعای مهدویت کرد.^۲ وی در سال ۱۴۹۵/۹۰۱ به قصد زیارت به بیت‌الله مکه رفت و در همین سفر، در صحن بیت‌الله، دعوت مهدویت خود را آشکار نمود و سپس به هند برگشت (بدایونی عبد القادرین ملوک‌شاه، منتخب التواریخ، ج ۱، ص ۸۶۰ عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۴۲/ شیخ محمد اکرام، رود کوثر، ص ۸۶ قاسمی سنبهلی مفتی ابوسعید، امام مهدی شخصیت و حقیقت، ص ۳۵).

شیخ علی متقی صاحب کنز العمال و علامه محمدطاهر پتنی (۹۱۳-۹۱۶) بر ضد این گروه مهدیین اقدامات عملی نمود (شیخ محمد اکرام، رود کوثر، ص ۲۸). علمای معاصر نیز در نقد این دیدگاه سعی داشته‌اند.

۲. جریان دروغین مهدویت میرزاغلام احمد قادیانی

میرزا غلام احمد قادیانی در ۱۳ فوریه در سال ۱۸۳۹م (میرزابشیر احمد، سیره

۱. سیدمحمد جونپوری شخصیت اهل علم و طریقت متعلق به قرن دهم است.

۲. ادعای مهدویت سیدمحمد جونپوری در تمام منابع متقدمین و متأخرین صراحت شده است.

المهدی، ج ۲، ص ۷۴^۱ مطابق با ۱۴ شوال ۱۲۵۰ق، در شب جمعه، در قادیان واقع در ایالت پنجاب هند به دنیا آمد و در بیست و ششم می ۱۹۰۸م، در ۷۳ سالگی از دنیا رفت. محل دفنش بهشتی مقبره‌ی قادیان هند است (میرزا بشیر احمد، سیره المهدی، ج ۲، ص ۷۴/ محمد طاهر القادری، عقیده ختم نبوت، ص ۵۲۹).

ادعای میرزاغلام احمد قادیانی: وی در زندگی خویش چندین ادعا کرد و سفر تدریجی ادعای وی از ادعای مجدد دین آغاز می‌کند: در پایان قرن سیزدهم و موقع ظهور قرن چهاردهم، خداوند از طریق الهام به من خبر داد تو مجدد دین این قرن هستی (میرزاغلام احمد قادیانی، البریه حاشیه ۸۶۸/ روحانی خزاین ۸۳/۲۰۱/ محمد طاهر القادری، عقیده ختم نبوت، ص ۵۴۳). ادعای محدثیت یعنی کلیم‌الله بودن: من نبی نیستم، بلکه از طرف خدا محدث و کلیم‌الله هستم تا دین محمد مصطفی ﷺ را تجدید کنم (همان، ص ۵۸۹). سپس ادعای مهدی بودن را مطرح می‌کند: مأمور آینده که اسمش مهدی است، اشاره به این مطلب است که او علم دین از خدا می‌آموزد و در یادگیری قرآن و احادیث شاگردی کسی نمی‌کند. من با سوگند می‌توانم بگویم حال من چنین است. هیچ کس نمی‌تواند درباره‌ی من ثابت کند که من قرآن و احادیث و تفسیر را از کسی آموختم. پس مهدویت به منهای نبوت محمدیه به من داده و باب اسرار دین برایم بلاواسطه باز شده است (قادیانی میرزاغلام احمد، ایام الصلح، ص ۸۴۷ القادری محمد طاهر، عقیده ختم نبوت، ص ۵۴۱).

میرزاغلام احمد قادیانی در کتاب دیگری معنای ختم نبوت حضرت محمد مصطفی ﷺ را به تعبیر روشن‌تری بیان می‌کند:

«معنی ختم الانبیا به این معنا نیست که او آینده‌ی فیض روحانی ندارد، بلکه به این معناست که هیچ کس فیض به امت بدون مهر نبوت خاتم الانبیا نمی‌تواند برساند نیز دروازه‌ی وحی برای امت تا قیام قیامت بسته نمی‌شود. البته این نبوت بدون خاتم الانبیا

۳. درباره‌ی سال ولادت اختلاف رأی وجود دارد؛ خود در کتاب سیره المهدی میرزابشیر احمد، که نویسنده‌اش فرزند اکبرش است، چندین گزارش ۱۸۳۴، ۱۸۳۳، ۱۸۳۹ شده است. میرزابشیر احمد، سیره المهدی، ج ۲، ص ۷۴.

ممکن نیست. همچنین برایش شرط امتی بودن است (همان، ص ۵۸۱).

میرزاغلام احمد قادیانی اندیشه‌ی نبوت و ختم نبوت حضرت محمد مصطفی ﷺ و جایگاه خویش را در سایه‌ی عقیده‌ی نبوت و ختم نبوت حضرت محمد مصطفی ﷺ چنین خلاصه می‌کند:

افتخار خاص حضرت محمد مصطفی ﷺ به این معنا خاتم الانبیا است که تمام کمالات خاتم الانبیا به او تمام شده است و دیگر هیچ نبی صاحب شریعت پس از او نمی‌آید و هیچ نبی برون امت او نخواهد شد. تمام کسانی که شرط مکالمه‌ی الهی دارند، به وساطت او دارند و به او امتی گفته می‌شود نبی مستقلی نمی‌شود (همان، ص ۵۸۱).

میرزاغلام احمد قادیانی دلایل ادعای نبوت خود را جمع‌بندی کرده، می‌گوید:

بنا بر دلایلی که من خودم را نبی می‌گویم، این است که مشرف به کلام با خدا هستم. من با او کلام می‌کنم. او پاسخ می‌دهد و رازهای غیبی و آینده‌اش را روشن می‌کند تا اینکه قرب انسان با خدا انجام شود؛ لذا او مرا نبی خوانده است. پس من با حکم خدا نبی هستم و انکار من از آن گناه خواهد شد (قادیانی میرزاغلام احمد، کاخط، به مورخه ۲۳ می ۱۹۰۸م، به نام ایدیتر اخبار عام لاهور/ حقیقة النبوه، ص ۲۷۰/ همان، ص ۵۸۱).

میرزاغلام احمد قادیانی در تأکید و تأیید اندیشه‌ی نبوت خویش چنین دلیل مطرح می‌کند:

من از طرف خداوند مأمور شدم. پس خداوند برای اثبات این حقیقت نشان‌های فراوان فرستاد که آن نشان‌ها اگر در بین هزاران نبی تقسیم می‌شد، نبوت هر کدامش تأیید و ثابت می‌شد (قادیانی میرزاغلام احمد، چشمه‌ی معرفت، ص ۳۱۷/ روحانی زخایر ۲۳/ ۳۳۲/ محمد طاهر القادری، عقیده ختم نبوت، ص ۵۸۳).

خداوند در تأیید من هزاران نشانی قرار داد که انبیای دیگر هم این قدرنشانی‌ها نداشتند، ولی انهایی که دلشان مهر خورده است، درک نمی‌کنند (قادیانی میرزاغلام احمد، تتمه حقیقة الوحی، ص ۱۴۸/ روحانی، زخایر ۲۲/ ۵۸۷/ همان ص ۵۸۱).

نتیجه‌گیری

بحث مهدویت در میان اهل سنت هندوستان در سه بخش بیان و بررسی شد: یکی، اندیشه‌ی مشهور جمهور امت مسلمه، مانند اندیشه‌ی مهدویت صوفیان، بریلوی‌ها و دیوبندی‌ها و دومی، دوم اندیشه‌ی مهدویت برخی از پژوهشگران و اندیشمندان خلاف جمهور، مانند اندیشه‌ی مهدویت علامه مودودی، مولانا شمس نوید عثمانی دیوبندی و مولانا وحیدالدین خان که مورد نقد علمای اهل سنت قرار گرفت. افزون بر این، دیدگاه‌ها چند جریان ادعای مهدویت، مانند ادعای مهدویت سید محمد جونپوری، متعلق به قرن دهم به نام مهدی گروه و جریان قادیانیت به نام اسلامی جماعت در تاریخ ثبت گردیده است و نقشی در تحول تاریخ اسلامی داشتند.

فهرست منابع

۱. ابوعدنان محمد منیر قمر، ظهور مهدی ایک اصل حقیقت، توحید پبلیشنز بنگلور، ۲۰۱۴م.
۲. امرتسری عبیداللہ، ارجح المطالب، حیدری کتب خانہ ممبئی، سال: ۱۹۶۶م، چ دوم.
۳. ایچ ایم طارق، ظهور امام مهدی و شیعہ مسلک، بی تا.
۴. بارڈولی مفتی محمود بن مولانا سلیمان، ظهور مهدی کب؟ کھان؟ اور کس طرح؟، ادارہ الصدیق گجرات ہند، بی تا.
۵. بدایونی عبد القادر بن ملوک شاہ، منتخب التواریخ، تصحیح احمدعلی توفیق سبحانی، تہران ۱۳۷۹ش.
۶. بشیر احمد انصاری، تذکرہ اولیاکرام پانی پت محمد اسلام بک سیلر درگاہ قلندر پانی پت، ۲۰۰۸م، چ اول.
۷. بشیر احمد قمر، اسمائ المہدی اور اس کی وضاحت، نظارت نشر و اشاعت لندن، بی تا.
۸. بندگی میان سیدبرہان الدین، شواہد الولاية جمیعة مہدویہ، دائرہ زمستان پودحیدرآباد، بی تا.
۹. روح اللہ، پنج فضائل، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار، حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعة مہدویہ دائرہ زمستان پودحیدرآباد، بی تا.
۱۰. بندگی ولی جی، حجہ المصنفین، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعة مہدویہ دائرہ زمستان پود، حیدرآباد، ۱۹۸۶م.
۱۱. بندگی ولی ابن حضرت بندگی میان یوسف صحابی مہدی، انصاف نامہ، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ.
۱۲. بوعلی شاہ قلندر پانی پتی، تذکرہ غوثیہ ملفوظات: مرتب: گل حسن شاہ قادری جسیم بکدپومتیا، محل جامع مسجد دہلی، ۲۰۰۹م
۱۳. چشتی شیخ عبدالرحمان، مرآة الاسرار، مترجم: واحد بخش سیال چشتی صابری، مکتبہ رضویہ جامع مسجد دہلی، اوریل ۲۰۰۵م، چ اول.
۱۴. حافظ محمد حسین مراد آباد، انوار العارفین، بی تا.
۱۵. حضرت الہندی ابن عبدالرحیم، تذکرہ خواجگان چشت (سیرالاقطاب)، مرتب: محمد معین دردای، فرید بک دپو دہلی، ۲۰۰۴م، چ اول.
۱۶. حضرت بندگی میان شاہ قاسم مجتہد گروہ مصدقان امام مہدی، جامع الاصول، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعة

- مہدویہ دائرہ زمستان پود، حیدرآباد، ۱۹۸۲م.
۱۷. حضرت بندگی میان عبد الغفور سجاوندی، رسالہی ہژدہ آیات، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعہ مہدویہ دائرہ زمستان پود، حیدرآباد. بی تا.
۱۸. عبد الملک سجاوندی، خصایص امام مہدی موعود، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعہ مہدویہ دائرہ زمستان پود، حیدرآباد، ۱۴۰۸ق.
۱۹. حضرت سید من سامیان بن فقیر قاسومیان مہدوی، بینہ اللہ، با اہتمام انجمن دائرہ الاسلام از اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعہ مہدویہ دائرہ زمستان پود، حیدرآباد، بی تا.
۲۰. خالد پرویز، ائمہ اہل بیت علیہم السلام، بیکن بکس، ۲۰۰۴م، چ اول.
۲۱. خسرو قاسم، اہل البیت فی الاحادیث النبوی، شخصی خسرو قاسم علی گره، ۲۰۱۱م.
۲۲. کشکول معرفت، علی اکادمی علی گره، بی تا.
۲۳. امام حسن عسکری علیہ السلام (اہل سنت کی نظر میں).
۲۴. همان، انتشار شخصی خسرو قاسم علی گره.
۲۵. رضوی سید محمد عبدالحق، ظہور امام مہدی کب اور کھان، انوار القادریہ کراچی، بی تا.
۲۶. رضوی مولانا شمشاد حسین، آفتاب و ماہ تاب، نخشی اکیڈمی بدایون، مارس ۲۰۰۸م، چ اول.
۲۷. سہیل باوا، ختم، علامات قیامت اور عقیدہ ظہور مہدی، نبوت کادمی، لندن، ۲۰۰۴م.
۲۸. سید میران عابد خوند میری مہدوی، تفسیر نورالبیان، اعجاز پرنٹنگ پریس چہتہ بازار حیدرآباد، با اہتمام دارالاشاعت کتب سلف صالحین جمیعہ مہدویہ دائرہ زمستان پود، حیدرآباد، بی تا.
۲۹. سنبھلی مولانا عبد القادر، رد مودودیت، دارالعلوم دیوبند، بی تا.
۳۰. سنبھلی مفتی ابوسعید قاسمی، امام مہدی شخصیت و حقیقت، نعیمیہ کتابخانہ دیوبند، ۲۰۰۵م.
۳۱. شاہ محمد عالم، تصحیح مزارات اولیا دہلی، دکتر محمد حفیظ الرحمن صدیقی، فرید بک دیو دہلی، ۲۰۰۶م، چ اول.

۳۲. شیخ محمد اکرام، ۱۱۳۰ق، اقتباس الانوار (تذکرہ مشایخ چشتیہ صابریہ)، ترجمہ: واحد بخش سیال چشتی صابری، فرید بک دپو دہلی، ۲۰۰۴م، چ اول.
۳۳. شامزئی مفتی نظام الدین شہید، عقیدہ ظہور امام مہدی، مکتبہ شامزی، ۲۰۰۷م.
۳۴. شاہ نواز صمصام الدولہ خان، مائر الامراء کلکتہ، ۱۸۸۸م۔
۳۵. صدیق حسن خان القنوجی، الدر المنضود فی ذکر المہدی الموعود، ۱۳۰۷ق.
۳۶. صدیقی محمد رحمت اللہ، امتیازات اہل سنت، رضا ادارالمطالعہ بہار، فروری ۲۰۱۲م، چ دوم.
۳۷. صدیقی کاندھلوی حبیب الرحمن، عقیدہ ظہور مہدی، الرحمن پبلیشنگ ترست، کراچی.
۳۸. صوفی محمود اللہ داتا، حدیث مجدد اور مودودی، ادارہ اشاعت العلوم لاہور، بی تا.
۳۹. ضیاء الرحمان فاروقی، حضرت امام مہدی، بی تا.
۴۰. طالب ہاشمی، تذکرہ صحابیت، ناشر: البدر پبلی کیشنز لاہور پاکستان، ۲۰۰۱م.
۴۱. عاصم عمر، امام مہدی کی دوست و دشمن، الہجرہ پبلکشن کراچی، ۲۰۱۰م، چ اول.
۴۲. عالمی مولانا عبداللیف مسعودی، مسئلہ رفع و نزول مسیح، مجلس تحفظ ختم نبوت ملتان، بی تا.
۴۳. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در ہند، انتشارات تہران، ۱۳۶۶ش.
۴۴. علمی حامد علی، عقیدہ ختم نبوت پراعتراضات کا، علمی محاسبہ جمیعت اشاعت اہل سنت کراچی.
۴۵. غایہ الاجابہ فی مناقب القراہ (مناقب اہل بیت-علیہم السلام-)، منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۶م.
۴۶. آمد امام مہدی، تقریر ترتیب: سیدبختیارالدین، شیخ الاسلام اکادمی، ہند ۴۴.
۴۷. القول المعبر فی الامام المنتظر، منہاج القرآن، پبلیکیشنز حیدرآباد ہند.
۴۸. حیات و نزول مسیح اور ولادت امام مہدی ع، منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۰۸م.
۴۹. علامات قیامت اور فتنوں کا ظہور، منہاج القرآن، لاہور، ۲۰۱۵م.
۵۰. قادری نظامی عزیز الحق کوثر ندوی، مناقب اہل بیت علیہم السلام، کوثر اکیڈمی بنارس، مارس ۲۰۰۶م، سوم.
۵۱. قادری سیدتراب الحق، فضائل صحابہ و اہل بیت علیہم السلام، بی تا.
۵۲. قادری سیدمحمد سعید الحسن شاہ، خاندان مصطفی (ص)، اسلامک پبلشرمتیا، محل

- جامع مسجد دہلی، ۱۴۱۶، ج اول.
۵۳. قادری محمد الیاس عطار، تذکرہ احمد رضا، مکتبہ المدینہ، گجرات، ۲۰۱۲م.
۵۴. قادری محمد ثاقب، رد قاذیانیت اور سنی صحافت، ج اول، اکبر بک سیلر لاہور.
۵۵. جلد دوم، اکبر بک سیلر لاہور.
۵۶. جلد سوم، اکبر بک سیلر لاہور.
۵۷. قادری محمد جلال الدین، فتنہ قاذیانیت جامعہ اسلامیہ، کھاریان، بی تا.
۵۸. قادری چشتی مولانا صوفی محمد ابوالاعلامی، سیرت مقربین خدا، فرید بک دیو دہلی، ۲۰۰۵م، ج اول.
۵۹. قادری مفتی محمد خلیل خان، ہمارا اسلام، ادبی دنیا دہلی، بی تا.
۶۰. قادیانی میرزا غلام احمد، ازالۃ الاوہام، نظارت نشر و اشاعت ربوہ پاکستان، ۱۹۷۰م.
۶۱. القوی محمد عبد، مشاہدہ مہدوی، (نقد مہدی گروہ)، اشرف العلوم، حیدرآباد ہند، بی تا.
۶۲. مطالعہ مہدوی، (بیان عقاید مہدی گروہ)، اشرف العلوم، حیدرآباد ہند، بی تا.
۶۳. مہدوی بیان قرآن (در رد کتاب نور ایمان) مہدوی گروہ، اشرف العلوم، حیدرآباد ہند، بی تا.
۶۴. ہارون یحی، قیامت کی نشانیاں اور ظہور امام مہدی، بی تا.
۶۵. کاندھلوی محمد ادریس، شیخ التفسیر، دارالعلوم دیوبند، نزول عیسی اور ظہور مہدی، دارالعلوم دیوبند، بی تا.
۶۶. الکشمیری محمد اسد اللہ قریشی، امام مہدی کا ظہور، نشر و اشاعت اصلاح وارث ضلع جھنگ ہند، بی تا.
۶۷. لائل پوری قاضی محمد نذیر، ظہور امام مہدی از مسلمات اہل سنت و تشیع، نظارت نشر و اشاعت ربوہ پاکسان، بی تا.
۶۸. لدھیانوی محمد یوسف، تنقید اور حق تنقید، ناشر صوفی محمد اقبال ہوشیار پور، بی تا.
۶۹. متقی ہندی علی (صاحب کنز العمال)، تلخیص البیان فی اخبار مہدی الزمان، دارالتبلیغ قم، ۱۹۸۱م.
۷۰. محدث دہلوی شاہ عبدالحق ۹۵۸-۱۰۵۲، احوال ائمہ اثنا عشر، حضرت مرتب: خسرو قاسم، خسرو قاسم علی گرہ.
۷۱. محدث دہلوی شاہ عبدالعزیز، تحفہ اثنا عشریہ، سہیل اکادمی، لاہور ۱۹۷۵م.
۷۲. محمد سردار احمد، مودودی عقیدہ، مکتبہ قادریہ، فیض آباد، بی تا.

۷۳. محمد مظفر اقبال، اسلام میں امام مہدی کا تصور، ناشر: بیت العلوم لاہور، ۱۹۲۴ق، چ اول.
۷۴. محمد مہرالدین، عقیدہ حیات مسیح اور فتنہ قادیانیت، مکتبہ جمال کرم لاہور، بی تا.
۷۵. محمد نجم مصطفائی، نجات کا راستہ، ادارہ تحقیقات اسلامیہ حنفیہ، ۲۰۰۲م، چ اول.
۷۶. مدنی سید محمد بدر عالم مہاجر، امام مہدی، سید احمد شہید اکیڈمی، لاہور، صفر ۱۴۱۱ق، اول.
۷۷. منصور پوری مولانا محمد سلمان، حضرت امام مہدی کا ظہور ابھی نہیں ہوا، معاون: شاہ عالم گورکھپوری، دارالعلوم دیوبند، بی تا.
۷۸. مولانا محمد شفیع مفتی سابق دارالعلوم دیوبند، مسیح موعود کی پہچان، دارالعلوم، دیوبند.
۷۹. مولانا محمد شفیع، علامات قیامت اور نزول مسیح، ترجمہ: مولانا محمد رفیع عثمانی، مکتبہ دارالعلوم کراچی، بی تا.
۸۰. مولانا وحید الدین، اور دعوائی مسیحیت و مہدویت، غلام نبی کشافی الفرقان، بکدپو لکھنؤ ہند، بی تا.
۸۱. مولوی محمد اعظم اکسیر مرہی سلسلہ احمدیہ، ظہور امام مہدی اور چودوین صدی کا اختتام، نظارت نشر و اشاعت قادیان.
۸۲. مودودی علامہ سید ابوالاعلیٰ، مجدد و احیای دین مکتب اسلامی، دہلی، بی تا.
۸۳. نقشبندی مفتی غلام رسول جماعتی، بارہ امام، زاویہ پبلیشنز لاہور، بی تا.
۸۴. نیازی سید محبوب الرحمن، تذکرہ بارہ امامین مصومین، محبوب اکادمی جیپور، آوریل ۲۰۰۸م مطابق ربیع الثانی ۱۴۲۹ق، چ اول.
۸۵. نیازی محمد قاسم، فضایل اہل بیت (سؤال و جواب)، خانقاہ نیازہ خواجہ قطب بریلی، ۲۰۰۸م، چ سوم.
۸۶. نیازی انوار الرحمان، ائمہ الہدی، محبوب اکادمی جیپور ہند.

